

گزارشی درباره کتاب ثمره و تعلق آن به آثار هرمسی

فرید قاسملو*

شرح ثمره بطلمیوس در احکام نجوم / شارح خواجه
نصیرالدین طوسی؛ مقدمه تصحیح و تحقیق جلیل اخوان
زنجانی. - تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸. پنجاه +
۲۴۴ ص

در میان نوشته‌های کهنترین فهرست نویسان اسلامی، از جمله ابن ندیم و ابن قفطی سخن از فیلسوف = دانشمندی رفته است که علیرغم تشکیک بسیار قوی درباره وجود او، آراء و عقاید منسوب به وی در سطح بسیار زیادی در نوشته‌های مختلف راه یافته است. این فیلسوف = دانشمند که از او به هرمس^۱ تعبیر شده به یونان نسبت داده شده است. در حالی که قطعاً کسی به این نام وجود نداشته است و آراء نحله‌ای فکری در اسکندریه، که بر اثر برخورد تمدنهای یونانی و مصری بوجود آمده به او منسوب شده است.^۲ در حوزه تمدن اسلام، کتابهایی در موضوع‌هایی چون کیمیا، علوم غریبه و احکام نجوم در زمره آثار هرمسی قرار می‌گیرند؛ و به نظر می‌رسد از جمله کتابهایی که باید در زمره آثار هرمسی قرار گیرد، کتاب ثمره است.

ثمره عنوان کتابی منسوب به بطلمیوس و یکی از نخستین آثار مربوط به احکام نجوم

* عضو هیئت علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی. مولف، این مقاله را به محمدباقری تقدیم می‌نماید.

است که به توسط مترجمان اسلامی و در جریان نهضت ترجمه، به عربی ترجمه شده است. این کتاب رساله کوچکی شامل حدود یکصد جمله کوتاه درباره احکام نجوم و تداخل آن با شئون مختلف زندگی انسانهاست که بجز متن عربی و چند شرح مختلف بر آن به زبانهای فارسی و عربی؛ متنهای یونانی، سریانی و لاتین آن نیز به جای مانده است. رایجترین نام این کتاب در فارسی و عربی، ثمره یا کتاب الثمره عیناً برگردان عنوان یونانی آن *χαρποδ* به عربی و به معنی «میوه» می باشد. در عین حال، در شرح و ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی از این کتاب، از آن به نام المائة الکلمه (یکصد کلمه / گفتار)^۳ با عنوان رومی (= یونانی) انظرومطا نیز یاد شده است. به نوشته بلوشه^۴ این عنوان (انظرومطا) صورت تصحیف شده و نادرستی از دو واژه یونانی *ξχατου ρητα*، و به معنی «صد کلمه» می باشد. عنوان ترجمه لاتینی این کتاب نیز *Centilaquium* ناظر به همین معنی است.^۵

مفصلترین گزارش درباره چگونگی ترجمه این کتاب به عربی، نوشته ابوریحان بیرونی در رساله احکام نجومی اش، مقالة فی سیر سهمی السعاده^۶ است که در آن، او سه ترجمه از این کتاب، دو ترجمه عربی از یونانی، یکی برای خالد بن یزید به توسط مترجمی ناشناس و دیگری به توسط مترجم مشهور سده دوم و سوم هجری حنین بن اسحاق و ترجمه سوم از فارسی (= پهلوی) به عربی توسط عمر بن فرخان طبری ستاره شناس سده سوم هجری یاد کرده است. اگر چه بیرونی می نویسد که برای نگارش مقالة فی... از هر سه این ترجمه ها استفاده کرده است، اما معلوم نیست ترجمه عربی ثمره که امروزه باقی مانده و به دست ما رسیده کدامیک از این ترجمه ها است.^۷ از ثمره ترجمه ای به زبان سریانی نیز وجود دارد که احتمالاً در جریان ترجمه عربی این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.^۸ در مهمترین منابع کتابشناسی اسلامی، از جمله الفهرست ابن ندیم^۹ و تاریخ الحکماء ابن قفطی^{۱۰} ثمره صرفاً کتابی از بطلمیوس ستاره شناس بسیار مشهور یونانی و پایه گذار مهمترین تئوری نجومی بشری تا پیش از قرن جدید، دانسته شده بدون آنکه اشاره ای به نام آن شده باشد. در عین حال، شرحی که ابن قفطی برگرفته از الفهرست ابن ندیم درباره کتاب الاربعة بطلمیوس، (کتاب احکام نجومی بطلمیوس که بسیاری ثمره را خلاصه آن می دانند، داده ولی در آن نامی از ثمره نبرده، به قرینه ذکر نام شخصی به نام صوری (کسی که بنا به نوشته های دانشمندان اسلامی ثمره برای او نوشته شده) در آن، باعث شده تا بسیاری^{۱۱} ابراهیم بن صلت را نیز

مترجم ثمره بدانند، در حالی که نوشته ابن قفطی معطوف به کتاب الاربعة است و نه ثمره. موضوع‌های ذکر شده در ثمره بدون ترتیب خاصی و تنها بر اساس پنج اصل کلی احکام نجوم طرح شده‌اند.^{۱۲} از میان جمله‌های کتاب تنها جمله‌های ۱ تا ۱۶ در قالب کلی به طرح مسائل اساسی احکام نجوم طرح شده‌اند. سایر دانسته‌های نجومی / احکام نجومی نیز بدون نظم خاصی ذکر شده‌اند بطوری که نمی‌توان کتاب را به بخش‌های خاصی تقسیم نمود. از جمله موارد ذکر شده در جمله‌های مختلف کتاب می‌توان به مسائل مربوط به حوادث جو (جمله ۳۷)، احکام موالید (جمله‌های ۴۷ و ۵۳ تا ۵۵)، خسوف و کسوف (جمله ۲۶)، مطالع بروج (جمله‌های ۱۷ تا ۲۰ و ۴۶ تا ۵۱)، خوردن داروهای مسهل (جمله‌های ۲۱ و ۲۳) و عمل‌های جراحی (جمله‌های ۲۲ و ۲۴) اشاره نمود.^{۱۳}

بررسی محتوای موضوع‌های گوناگون احکام نجومی طرح شده در ثمره نشان می‌دهد، بیش از آنکه این کتاب را بتوان اثری برگرفته از آراء بطلمیوس و نگرش ارسطویی حاکم بر آثار او دانست، باید آن را از زمره آثار «هرمسی» و برگرفته از آراء و افکار منسوب به این فیلسوف - دانشمند مجعول به شمار آورد. تلقی ویژه هرمسیان از عقل^{۱۴} منشاء تفاوت نگرش آنان به مسایل سه‌گانه خدا، انسان و طبیعت با نگرش ارسطوئیان به این مسائل است. در زمینه طبیعیات نیز هرمسیان بر خلاف عقیده ارسطوئیان که جهان را به دو قلمرو فوق و تحت فلک قمر تقسیم می‌نمودند، به وحدت جهان اعتقاد داشتند. از این رو آنان به مسائلی چون رابطه حوادث این جهان و حرکت‌های سیارات و وضع آنها در بروج افلاک و به صورت کلی احکام نجوم نیز بر اساس همین نگرش وحدت جهانی نگاه می‌کردند.^{۱۵}

به همین خاطر است که بین محتوای ثمره و آنچه که از قول این هرمس در بسیاری از مهمترین کتابهای احکام نجوم نقل قول شده شباهت‌های بسیاری وجود دارد. در حالی که این موارد، هیچ شباهتی با آنچه بطلمیوس درباره احکام نجوم ذکر کرده ندارد. از جمله، این هبنتا^{۱۶} بسیاری از این موضوع‌های احکام نجومی را به نقل از هرمس ذکر کرده است که بسیار شبیه آراء ذکر شده در ثمره می‌باشد. هم‌چنین، بسیاری از این آراء هرمسی در مجموعه رسائل اخوان الصفا^{۱۷} نیز وجود دارد که کاملاً قابل تطبیق با آن چیزی است که در ثمره ذکر شده است. از جمله آنچه در جمله ۵۳ ثمره درباره موقعیت طالع بروج و ارتباط آن با نطفه (جنین) آمده که در رسائل اخوان الصفا^{۱۸} نیز مفصل

درباره آن بحث شده است و به دلیل همین عدم تطبیق این جمله از ثمره با آراء بطلمیوس بوده است که طوسی^{۱۹} به هنگام شرح آن مجبور شده است از آراء هرمس در همین باره سخن گفته و از او یاد می‌نماید. آراء هرمس در ایران پیش از اسلام به پهلوی ترجمه شده بود و در احکام نجوم ایران ساسانی تاثیر گذاشته است^{۲۰}، که در عین آنکه نشان دهنده قدمت حضور آراء هرمسی در جوامع بعداً اسلامی شده به حساب می‌آید، مؤید نظر بیرونی نیز درباره وجود ترجمه پهلوی این کتاب که منشاء ترجمه عربی آن شده می‌باشد. هم چنین، ضمن جنگی خطی از ترجمه لاتینی ثمره در اسپانیا، و بلافاصله پس از ترجمه این کتاب، ترجمه لاتینی کتابی به همین نام اما منسوب به هرمس نیز وجود دارد^{۲۱}.

ثمره به عنوان یکی از مهمترین آثار احکام نجوم، بسیار مورد توجه ستاره شناسان و نویسندگان مختلف قرار گرفت و بسیاری از آنان در نوشته‌های خود و در موارد مختلف از آن یاد کرده‌اند. از جمله مسلمة بن احمد مجریطی، ستاره شناس و ریاضیدان اسپانیایی در کتاب خود، غایة الحکیم^{۲۲} که در رواج اندیشه‌های هرمسی در اسپانیا نقش بسیار مهمی داشت جمله‌های مختلفی از ثمره را ذکر کرده است. ابوحنان توحیدی نیز در المقابسات^{۲۳} خود عیناً جمله‌هایی از ثمره را نقل کرده است و البته محمد بن مسعود غزنوی در کفایة التعلیم فی صناعة التنجیم^{۲۴} بیش از هر نویسنده دیگری از این کتاب یاد کرده است.

بر کتاب ثمره شروح متعددی نوشته شده است. حاجی خلیفه^{۲۵} تعدادی از آنها را یاد کرده و سزگین^{۲۶} نیز چهار مورد از آنها را بر شمرده است. علاوه بر شرح‌هایی که توسط اینان یاد شده باید از شرح ابوالعباس احمد بن یوسف بن کماذ، مشهور به ابن کماذ، ستاره شناس اهل تونس، زنده در سده هفتم هجری یاد کرد^{۲۷}. از میان شروح مختلف ثمره شرح ابوجعفر احمد بن یوسف بن ابراهیم مصری (طولونی) مشهور به ابن دایه (مرگ در حدود سال ۳۴۰) از همه مشهورتر است. تقریباً کلیه کسانی که از ثمره یاد کرده‌اند، شرح ابن دایه بر این کتاب را نیز بر شمرده‌اند^{۲۸}. خواجه نصیرالدین طوسی نیز در شرح و ترجمه خود از ثمره نوشته که از این شرح استفاده کرده است^{۲۹}. احمد بن یوسف تیفاشی (مرگ در حدود ۶۵۱) در کتاب خود، ازهار الافکار فی جواهر الاحجار^{۳۰} و ابومنصور سلیمان بن حسین موصلی نیز در المختار من کتب الاختیارات الفلکیه^{۳۱} خود از این شرح استفاده کرده‌اند. به نوشته نلینو^{۳۲} ابن دایه در این شرح

کوشیده است تا با آوردن اضافات و تغییراتی عبارات دشوار کتاب اصلی را تفسیر نموده یا پاره‌ای از ناسازگاریهای آن را با کتاب الاربعة بطلمیوس بر طرف نماید. از این شرح نسخه‌های خطی متعددی باقی مانده است که یکی از کهنترین آنها به خط حسین بن عبدالرحمان صوفی رازی فرزند ریاضی دان و ستاره شناس مشهور عبدالرحمان صوفی رازی در کتابخانه ملک تهران نگهداری می‌شود^{۳۳}. شرح ابن دایه در قرون وسطی به لاتین نیز ترجمه شد.^{۳۴}

اشتاین اشنايدر^{۳۵} با استناد به مجموعه‌ای خطی در کتابخانه اسکوریال اسپانیا از شرح ابو عبداللہ بتانی بر ثمره یاد کرده است، اما این رساله در اصل شرح بتانی بر کتاب الاربعة بطلمیوس است که نسخه‌ای از شرح ابن دایه بر ثمره را نیز به همراه دارد.^{۳۶} کتاب ثمره را خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۶۶۳ یا ۶۷۰ به فارسی ترجمه و شرح کرده است.^{۳۷} او در این ترجمه نوشته است^{۳۸} که پس از پایان کار شروع ابن دایه و ابوالعباس احمد بن علی اصفهانی حاسب را مطالعه و آنچه را که لازم دیده است از آنها به ترجمه و شرح خود افزوده است. در این ترجمه خواجه نصیر طوسی ابتدا هر یک از جمله‌های متن را به عربی ذکر کرده و سپس شرح و ترجمه خود را ذیل آن آورده است. از این کتاب نسخه‌های خطی متعددی باقی مانده است^{۳۹} و استاد جلیل اخوان زنجانی آن را در سلسله انتشارات میراث مکتوب به چاپ رسانیده است. در عین حال استاد شادروان مجتبی مینوی^{۴۰} و به نقل از او اخوان زنجانی^{۴۱} از ترجمه این کتاب به توسط ظهیرالدین محمد غزنوی به فارسی بر اساس وجود نسخه‌ای از آن در انگلستان یاد کرده‌اند. گزارش ریو و کورتن^{۴۲} از نسخه مورد نظر مینوی به جز نسخه‌ای از شرح موصوف نصیرالدین طوسی بر ثمره ضمن مجموعه‌ای به همراه چند کتاب نجومی دیگر از ترجمه دیگری از ثمره خبر نمی‌دهد. از این رو صحت نوشته مینوی مورد تردید است، اگر چه ظهیرالدین محمد غزنوی کتابی به نام نافع الثمر در شرح ثمره داشته که باقی نمانده و به دست ما نرسیده است.^{۴۳} رکن الدین محمد بن علی جرجانی (مرگ پس از سال ۷۳۰) در مقدمه خود بر ترجمه عربی که از کتاب اوصاف الاشراف خواجه نصیرالدین طوسی^{۴۴} تهیه کرده است نوشته که ترجمه خواجه نصیر طوسی از ثمره را به عربی ترجمه کرده است، اما از این ترجمه اطلاع دیگری در دست نیست.

ثمره بر اساس شرح ابن دایه بر آن به دفعات در قرون وسطی به لاتینی ترجمه شد.^{۴۵} ترجمه‌هایی که تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. مهمترین این ترجمه‌ها به پلاتوی

تیولیایی یا یوحناى اشبیلی (از مترجمان به نام آثار عربی به لاتین) نسبت داده شده است،^{۴۶} اما انتساب این ترجمه به یوحناى اشبیلی صحیح ترجمه نظر می‌رسد، چرا که در فهرست‌های مختلفی که از آثار پلاتوی تیولیایی تهیه شده است نام این کتاب به چشم نمی‌خورد. ترجمه یوحناى اشبیلی در سده دوازدهم میلادی / ششم هجری انجام شده و از آن نسخه‌های متعددی باقی مانده است.^{۴۷} شرح ابن دایه بر ثمره را کالونیوس^{۴۸} مترجم و دانشمند آلمانی در سده چهاردهم میلادی / هشتم هجری به زبان عربی ترجمه کرده است.^{۴۹}

پی‌نوشتها

- ۱- برای آگاهی از پژوهش‌های انجام شده درباره هرمس نک: نصر، صص ۵۴ - ۹۵.
- ۲- همان، ص ۵۹.
- ۳- طوسی، ص ۷۹. نیز دانش پژوه، ص ۸۵۶.
- ۴- بلوشه، صص ۵۱ - ۵۲.
- ۵- اولمان، ص ۲۸۳.
- ۶- به نقل از سزگین، ج ۷ ص ۴۲.
- ۷- برای آگاهی از نسخ باقی مانده از این کتاب نک: سزگین، ج ۲، صص ۴۴ - ۴۵.
- ۸- همان، ص ۴۲. برای آگاهی بیشتر درباره این ترجمه سربانی نک: ثو، صص ۱۹۷ - ۲۰۲.
- ۹- ابن ندیم، ص ۲۳۸.
- ۱۰- ابن قفطی، ص ۹۸.
- ۱۱- از جمله اخوان زنجانی در مقدمه تصحیح خود از ثمره، ص ۱۷.
- ۱۲- برای آگاهی از این اصول نک: پرونی، صص ۵۰۷ - ۵۱۰.
- ۱۳- ثمره، گ ۱ - ۱۱.
- ۱۴- برای آگاهی از تلقی هرمسیان از عقل نک: جابری، ج، صص ۱۸۶ - ۲۱۹.
- ۱۵- نک: نصر، صص ۸۶ - ۸۷.
- ۱۶- از جمله در جلد ۱، ص ۲۰۸ و ص ۲۱۴ و جلد ۲ ص ۱۷۳ و ص ۱۷۵.
- ۱۷- از جمله در جلد ۲ صص ۴۱۷ - ۴۴۳.
- ۱۸- همان، همانجا.
- ۱۹- طوسی، صص ۴۸ - ۴۹.
- ۲۰- روسکا، ص ۱۶۸.
- ۲۱- میلاس والیکروزا، ص ۱۵۵.
- ۲۲- مجریطی، صص ۳۲۳ - ۳۲۴.

- ۲۳ - توحیدی. ص ۲۷۶.
- ۲۴ - غزنوی. گ ۲۱ - ۲۳.
- ۲۵ - حاجی خلیفه. جلد ۱ ستون ۵۲۴ - ۵۲۵.
- ۲۶ - سزگین جلد ۷. صص ۴۵ - ۴۶.
- ۲۷ - اشتاین اشنايدر. ص ۲۱۲. کینگ جلد ۲ بخش ۲ ص ۶۵۵.
- ۲۸ - از جمله ابن ندیم. ص ۳۲۸. قاضی صاعد اندلسی. ص ۲۲۸، یاقوت حموی. جلد ۵ ص ۱۶۰ و صفدی جلد ۸ ص ۲۸۳.
- ۲۹ - طوسی. صص ۲ - ۳.
- ۳۰ - تیفاشی. ص ۱۲۸.
- ۳۱ - موصلی. گ ۲۶۱.
- ۳۲ - نلینو. ص ۲۱۹. حاشیه ۲.
- ۳۳ - افشار و دانش پژوه جلد ۱ ص ۱۹۸. برای نسخه دیگری از این شرح در ایران نک: اشکوری. جلد ۱۹ صص ۱۸۶ - ۱۸۷.
- ۳۴ - برای آگاهی بیشتر درباره این شرح نک: لمی. صص ۹۱ - ۱۰۷.
- ۳۵ - اشتاین اشنايدر. صص ۲۱۲ - ۲۱۳.
- ۳۶ - برای آگاهی از مشخصات این مجموعه نک: درنبرگ. جلد ۲ بخش ۳ صص ۱۱۶ - ۱۱۷.
- ۳۷ - استوری. جلد ۲ بخش ۱ ص ۳۶؛ منزوی جلد ۴ ص ۲۸۹۶.
- ۳۸ - طوسی. صص ۲ - ۳.
- ۳۹ - برای آگاهی از این نسخه‌ها نک: استوری. همان. صص ۳۶ - ۳۷؛ نیز منزوی. همان صص ۲۸۹۴ - ۲۸۹۷.
- ۴۰ - مینوی. ص ۲۳۲. حاشیه ۲.
- ۴۱ - اخوان زنجانی در مقدمه تصحیح خود از نمره ص ۱۹.
- ۴۲ - ریو و کورتین. صص ۱۹۷ - ۱۹۸.
- ۴۳ - استوری. همان ص ۴۶.
- ۴۴ - رکن الدین جرجانی گ ۱۱۷.
- ۴۵ - کارمودی. صص ۱۶ - ۱۷.
- ۴۶ - میلاس والیکروزا. ص ۱۵۴.
- ۴۷ - ووستنفلد. صص ۲۷ - ۲۸.
- ۴۸ - Kalonymus ben kalonymus.
- ۴۹ - پاولی. جلد ۳۵ صص ۲۱۸ - ۲۱۹.

منابع

ابن ندیم. کتاب الفهرست، چاپ محمدرضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰؛
ابن هبنتا، المعنی فی احکام النجوم، چاپ عکسی از روی نسخه خطی شماره ۹۳۵۴ کتابخانه ظاهریه دمشق توسط فواد سزگین، فرانکفورت، ۱۹۷۸ م.

- ابوحيان توحيدى، المقابسات، چاپ محمد توفيق حسين، بغداد، ۱۹۷۰ م.
- ايرج افشار و محمد تقى دانش پژوه، فهرست كتابهاى خطى كتابخانه ملي ملك، جلد ۱، تهران ۱۳۵۲؛
- ابورحان بيرونى، كتاب التفهيم لاوائل صناعة التنجيم، چاپ جلال الدين همایى، تهران ۱۳۶۲؛ احمد بن يوسف تيفاشى، كتاب ازهار الافكار فى جواهر الاحجار، چاپ محمد يوسف حسن و محمود بسيونى خفاجى، قاهره، ۱۹۷۷ م.
- كتاب الثمره، نسخه خطى شماره ۱۹۷۱/۱ كتابخانه مركزى دانشگاه تهران؛
- محمد عابد جابرى، نقد العقل العربى، جلد ۱، تكوين العقل العربى، بيروت ۱۹۹۴؛
- ركن الدين محمد بن على جرجانى، تعريب اوصاف الاشراف، نسخه خطى شماره ۲۹۳۰/۲ كتابخانه ملي جمهورى اسلامى ايران؛
- حاجى خليفه، كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، بيروت، ۱۹۸۲؛
- عبدالحسين حائرى، فهرست كتابخانه مجلس شوراى ملي، جلد ۱۰، بخش ۳، تهران، ۱۳۴۸؛
- سيد احمد حسيني اشكورى، فهرست نسخه‌هاى خطى كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى نجفى مرعشى، جلد ۱۹، قم، ۱۳۶۹؛
- محمد تقى دانش پژوه، فهرست كتابخانه اهداى آقاى سيد محمد مشكوه به كتابخانه دانشگاه تهران، جلد ۳، بخش ۲، تهران، ۱۳۳۲؛
- رسائل اخوان الصفا و خلان و الوفاء، بيروت، ۱۹۷۵؛
- صلاح الدين بن ابيك صفدى، كتاب الوفى بالوفيات، چاپ هلموت ريتز، ويسبادن، ۱۹۶۲؛
- نصيرالدين محمد بن محمد طوسى، شرح ثمره بطلمیوس (در احكام نجوم) چاپ جليل اخوان زنجانى، تهران، ۱۳۷۸.
- محمد بن مسعود غزنوى، كفاية التعليم فى صناعة التنجيم، نسخه خطى شماره ۶۱۵۷ كتابخانه مجلس شوراى اسلامى؛
- قاضى صاعد اندلسى، التعريف بطبقات الامم، تاريخ جهانى علوم و دانشمندان تا قرن پنجم هجرى، چاپ غلامرضا جمشيد نژاد اول، تهران، ۱۳۷۶.
- جمال الدين ابى الحسين على بن يوسف قفطى، تاريخ الحكماء و هو مختصر الزوزنى المسمى بالمنتخبات الملتقطات من كتاب اخبار العلماء باخبار الحكماء، چاپ گوليوس ليرت، لايبزيك، ۱۹۰۳ م.
- ديويد كينگ، فهرس المخطوطات العلميه المحفوظ بدار الكتب المصريه، قاهره، ۹۸۱ - ۱۹۸۶ م.
- ابوالقاسم مسلمة بن احمد مجريطى، كتاب غاية الحكيم و احق النتيجتين بالتقديم، چاپ هلموت ريتز، لايبزيك و برلين، ۱۹۳۳ م.
- احمد منزوى، فهرستواره كتابهاى فارسى، تهران ۱۳۷۴؛
- ابومنصور سليمان بن حسين بن بزوديه ابريسمى موصلى حاسب، المختار من كتب الاختيارات الفلكيه، نسخه خطى شماره ۳۱۵۱ كتابخانه ملك تهران؛
- مجتبى مينو، تاريخ و فرهنگ، تهران، ۱۳۵۲؛
- سيد حسين نصر، معارف اسلامى در جهان معاصر، تهران، ۱۳۵۳؛
- كرلو آلفونسو نلينو، علم الفلك، تاريخه عند العرب فى القرون الوسطى، رم ۱۹۱۱؛
- ياقوت حموى، معجم الادباء، چاپ ديويد ساموئل مارگليوت، بيروت، بى تا؛
- E.Bloch, *catalogue des manuscrits persans de la biblioteque nationale*, Tome 2, Paris,
- F.Carmody, *Arabic Astronomical and Asrological Science in Latin translation, A critical bibliography*, Berkeley and Los angeles, 1956.

H.Derenbourg, *les Manuscrits Arabes de la Escurial*, Tome 1, fasciule2. Paris. 1943.

R.Lemay, Origin and Succes of the Kitab Thamara of Abu Jafar Ahmad ibn Yusuf ibn Ibrahim from then teth to the seventeenth century in the World of Islam and the Latin West, *Proceedings of the First international symposium for the history of Arabic science*, vol. 2 Papers in European languages, ed. A.Y.Al-Hassan, aAleppo, 1978.

J.M.Millas Vallicrosa, *Las traducciones orientales en los manuscritos de la Biblioteca Catedeal de Toledo*, Madrid, 1942.

F.Nau, Unfragment syriaque de louvrage astrologique de claude Ptolemee intitule le livre du fruit, *Revue de'l Orient Chretien*, vol. 28, 1932 - 1933

Paully Real Encyclopaedie der classischen Altertumswissenschaft, ed. G.Wissowa, W. Kroll and K.Mittelhaus. Stuttgart, 1849 - 1970.

Ptolemy, *Tetrabiblos*, ed and translation into English by F.E.Robbins, London,.

C.Rieu and W. Cureton, *Catalogus codicum Manuscriptorum Orietaliumqui in museo Britannico Asservantur*, part2., London, 1825. J.Ruska, *Tabula smaragdina*, Heidelberg, 1926.

F.Sezgin, *Geschichte der arabischen Schriftums*, Leiden 1979 - 1967 .

M.Steinschneidr, *die Arabischen Ubersetzungen aus dem griechischen*, Gras. 1960.

C.A.Storey, *Persian Literatur a bio bibliographical survey* vol2., pt1.London, 1978.

M.Ullmann, *Die Naturund geheimwissenschaften im islam*, Leiden, 1972.

F. Wustefeld, *Die Ubersetzungen Arabischer Werkin Lateinische seitdem XI.jahrhundert*, Gottingen, 1877.

در آستانه تحقیق

عون إخوان الصفاء علی فهم کتاب الشفاء

تألیف بهاء الدین محمد اصفهانی (فاضل هندی)

علی اوجبی*

نزد پیشینیان، حکمت یا فلسفه شامل تمامی دانشهای نظری و عملی بود و فلسفه یا حکمت نظری به سه شعبه تقسیم می شد:

۱. فلسفه اولی (= حکمت برین) یا مابعدالطبیعه با دو بخش الهیات به معنای اعم (= امور عامه) و الهیات به معنای اخص.

۲. فلسفه وسطی (= حکمت میانی) یا ریاضیات.

۳. فلسفه سفلی (= حکمت زیرین) یا طبیعیات.

منطق نیز که دانشی ابزارری و مقدمه‌ای برای تمامی تلاشهای عقلانی است، در ابتدای شماری از تألیفات فلسفی درج می شد تا خواننده بی نیاز از مراجعه به آثار منطقی باشد. از این رو، بسیاری از آثار فلسفی فلاسفه مسلمان، شامل تمامی مباحث و شعبه‌های فلسفه بود. از جمله مهمترین آثار فلسفی باید به دایرة المعارف فلسفی شفاکه شاهرکار فلسفه اسلامی و اوج فلسفه مشا به شمار می آید، اشاره کرد.

شفای شیخ الرئیس ابوعلی سینا شامل چهار بخش عمده است:

۱. منطق

۲. الهیات

۳. ریاضیات

۴. طبیعیات

* پژوهشگر و مصحح متون فلسفی و آثار میرداماد.